اللهم ربّ شهر رمضان الّذی انزلت فیه القرآن

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ■

جام جم

| پنجشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۱ | ۵ رمضان ۱۴۴۳ | ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۶۱۸۶ | استان تهران و البرز ۳۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۲۵۰۰ تومان | Thursday - April 7th, 2022 |

■ شاپا: ISSN1735-3637
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۳
■ سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم

حدیث

امام هادی علیه‌السلام فرمودند:
هر که از خود راضی باشد، خشم‌گیران بر او زیاد خواهد بود. (منتهی الامال)

واحه

بی‌قدر ساخت خود را، نخوت فزود ما را
بر ما و خود ستم کرد، هر کس ستود ما را
صائب

اوقات شرعی امروز

اذان ظهر: ۱۳/۰۷ غروب آفتاب: ۱۹/۳۱
اذان مغرب: ۱۹/۴۹ نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۲۳
اذان صبح (فردا): ۵/۱۵ طلوع خورشید (فردا): ۶/۴۱

دعای روز پنجم ماه رمضان

اللهمّ اجْعَلْنی فیهِ من المُسْتَغْفرینَ واجْعَلْنی فیهِ من عِبادَکَ الصّالحینَ القانِتین واجْعَلْنی فیهِ من اوْلیائِکَ المُقَرّبینَ بِرَأفَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمین.

خدایا قرار بده در این روز از آمرزش‌جویان و قرار بده مرا در این روز از بندگان شایسته و فرمانبردارت و قرار بده مرا در این روز از دوستان نزدیکت به مهربانی خودت ای مهربان‌ترین مهربانان.

امروز در تاریخ

■ آغاز عملیات کربلای ۸ در شرق بصره/ ۱۳۶۶
■ زادروز مهران مدیری، بازیگر/ ۱۳۴۶
■ سالمرگ جمشید اسماعیل‌خانی، بازیگر سینما و تلویزیون/ ۱۳۸۱

بوق اشغال

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام مسعود عالی، واعظ و سخنران

آخرتی زیستن، بی‌توجهی به دنیا نیست

علی مظاهری
روزنامه‌نگار

بای بسم‌ا...: «بس نکته غیر حسن بباید که تا کسی / مقبول طبع مردم صاحبنظر شود». منبر استاد عالی همانند نام‌شان عالی است. این وصف بی‌اغراق و بیرون از تعارفات معمول است و این که در میان این همه بزرگان صاحب منبر (یعنی دیرپاترین رسانه دین‌گستری و دین‌یاری) کسی ممتاز و یگانه و دلنشان شود و اقعا با گذشتن از هفت‌خوان و به قول حافظ رعایت هزار نکته باریک‌تر ز مو ممکن می‌شود این که برای همان حدود نیم ساعت سخنرانی، چقدر پژوهش و بررسی و مطالعه و تتبع لازم است، از ناگزیری‌هایی است که در این سه سال آشنایی با حضرت حجت‌الاسلام عالی دریافتم. تنگی وقت ایشان اصلا فرصت گفت‌وگو نمی‌داد تا این که توفیق رفیق گردید و این هم سخنی رمضانی را فراتر از معمول برگزار کردیم و به جای مستقیم به دل موضوع زدن، غیرمستقیم درباره شماری محورها و مراتب مهم این ایام با استاد به گفت‌وگو نشستیم و چه ساعات سبز و دلنشانی: چه گفت‌وگوی ایام نوروز چه بازبینی متن درسه بامداد رمضان الکریم. یاعلی

مدرنیته همه زندگی انسان رو معطوف به معماری تن و بدن تعریف می‌کنه. پس معماری روح (اهم برنامه انسان خداگرا) چی؟

اگه انسان در نظر داشته باشه واقعا ابدیتی داره و در همه مراحل اون ابدیت چیزی که همراهش هست، روح اوست از این جهت مراقبه به همونی بپردازه که اصل وجود ماست. در عین حال شکی نیست که از باب وظیفه، بدن ما حقی داره ولی معناش این نیست که انسان با اون عظمت، خودش رو محدود به تن و بدنش بکنه.

اگه دغدغه انسان به همین اندازه تن و بدنش باشه؟

قیمتش به همون اندازه است.

بهای اصلی پیکر انسان؟

در روایات هست که قیمت بدنتون بهشته حالا بهای روحتون چقدره خدا می‌دونه. انسان خیلی قیمتیه منتهی خودش رو ارزون می‌فروشه در حد همین افق لذت‌جویی می‌مونه.

چه جور برسیم به چیزی که براش اومدیم، اون افق‌های دور و بی‌نهایتی که براش ساخته شدیم؟

انسان، تنها موجودیه که حد و اندازه نداره و بی‌نهایته.

با چه وصفی؟

یعنی این جوری نیست که به یه خوبی و کمالی برسه که بالاتر از اون دیگه خوبی و کمالی نباشه. به خاطر این که مقصدش خدایی است که حد و اندازه نداره. حیف نیست چنین موجودی خودش رو محدود کنه به یه سری چیزها که خیلی کمه؟

قرآن: ما انسان را در رنج آفریدیم و انگار مسیر خودشکوفایی و کمال، همین رنج‌هاست؟

نکته همینه. اگه قراره یه روح تا قله‌ها برسه باید اراده‌اش قوی باشه و اون اراده با واردِ کوره‌ها و سختی‌ها شدنه که توانمند می‌شه.

با مثال می‌فرمایین؟

اگه قرار باشه یه ورزشکار، تن‌پروری کنه، هرجور دلش خواست بخوابه، بخوره و زندگی کنه اصلا نمی‌تونه به قله‌های قهرمانی برسه حتما باید طبق نظر مربی، منظم تمرین کنه که همش سختی و ریاضته. انسان هم اگه می‌خواد به قله‌های انسانیت برسه باید در چارچوب تمرین‌های الهی و محدودیت‌هایی که خدا گذاشته سختی‌هایی رو به جون بخره.

پس یکی از فلسفه‌های رنج همینه.

اون کسی که به هیچ وجه بلایی نبینه اصلا خدا با هاش کاری نداره شبیه ورزشکاری که مربیش رهاش کرده تمرینش نمیده.

نباید البته از خدا بلا خواست.

نه ما این رو نداریم که کسی از خدا بخواد بهش بلا بده، توی دعاها و روایات به ما یاد دادن که از خدا برای دنیا و آخرتمون عفو و عافیت و معافات بخوایم.

از بلاهای سنگین و کمرشکن به خدا پناه می‌بریم که به ویژه به ایمان لطمه می‌زنه وگرنه اصل بلا که هست و در هستی جاریه.

بله در روایات داریم پیامبر منزل کسی مهمان بود ناگهان تخم پرنده‌ای از بلندی افتاد ولی نشکست. پیامبر تعجب کردن. میزبان که تعجب حضرت را دید، گفت: تعجب نکنین مدت‌هاست بلایی ندیده‌ام. حضرت سریع اونجا رو ترک کردن و فرمودن کسی که بلا نبینه خدا با هاش کاری نداره. از این جهت یکی از فلسفه‌های رنج‌ها توان‌افزایی روح انسانه تا بتونه به قله‌های قرب خدا برسه.

جالبه از دعاهاست که خدایا بلای ما رو در دین ما قرار نده چگونه بزرگان و ائمه با اون بلاها همواره در صحنه زندگی بودن با نشاط و موفق و پرانگیزه برخلاف ما هرگز کم نمی‌آوردن؟

بله چون اهل بیت و بزرگان این معرفت رو دارن که بلاها ظاهرشون تلخه و سخته اما باطن‌شون قرب خداست مهمونی و نزدیکی به خداست.

مثال می‌زنین؟

وقتی مربی به ورزشکار، تمرین‌های شدید و سخت بدنی میده، ظاهرش سختی کشیدنه و جدیت مربی جوریه که انگار با ورزشکار سر ناسازگاری و دعوا داره.

اما هیچ‌گاه ورزشکار چنین فکری نمی‌کنه.

چون می‌دونه این مربی به فکرشه که این همه تمرین میده در حالی که تمرین‌ها نه تنها راحتی و آسودگی نیست بلکه سختی و دشواری برای بدنه با این وجود استقبال می‌کنه و به مربیش حق میده.

معرفت به محبت مستتر در بلاها؟

انسان با معرفت می‌دونه پروردگار عالم با این بلاها می‌خواد انسان رو رشد بده مهمونی براش ترتیب داده تا به کمال برسونش و اینها ظاهرش سختیه و باطنش محبته روی این حساب‌ه که اولیای خدا در بلاها نه تنها بردبارن بلکه سپاسگزاری می‌کنن. در دعاهای امام سجاد(ع) هست که خدایا شکر من رو بر نداده‌هات بیش از شکر من بر داده‌هات قراربده یعنی شکر من رو برای چیزهایی که ندادی و البته ناخوشیه بیش از شکرم بر خوشی‌ها قراربده.

یا حضرت سیدالشهدا که در اوج بلاها یک ریز شکر می‌گفتن.

نکته همین جاست اگه انسان، فلسفه بلاها رو بدونه و آگاه باشه که خدا بی‌نهایت دانا و حکیم و مهربانه این بلاها رو گذاشته برای قرب و کمال از این رو دیگه کم نمیاره در سختی‌ها و بلاها بردبار و شکوره.

ائمه فرمودن ما از پشت پرده بلاها آگاهیم ولی شیعه‌ها گرچه خبر ندارن بردبارن.

بله فرمودن نحنُ صُبَّرٌ و شیعَتُنا اَصبَرُ مِنّا یعنی ما خیلی بردباریم و شیعیان ما از ما صبورترن زیرا ما میدونیم این بلایی که هست برای چیست پشت پرده چه خبره، صبوری برای ما راحتتره ولی شیعیان ما این آگاهی رو ندارن با این حال ایستادن. البته این به اون معنا نیست که مقام شیعیان بالاتر از خود اهل بیت(ع) باشه چنین نتیجه‌ای نباید گرفت این که می‌فرماید صبر شیعیان بیشتره به اون معنا نیست که کیفیت صبرشون بالاتره این بیشتر، کمی است (نه کیفی).

حاج ملاهادی و فلاسفه ما حرکت رو پدیدآورنده زمان معناکردن؛ انسان با حرکتش زمان رو می‌آفرینه بهترین مدیریت زمان به پیشنهاد شما؟

وقتی انسان حقیقتا از بُنِ دندان از صمیم قلب، خودش رو بنده خدا قراربده و وظیفه الهیش رو به تناسب شرایط و موقعیت بشناسه و عمل بکنه دیگه وقت پرت نخواهد داشت اگه قصد بکنه در مسیر بندگی قرار بگیره حتی برای تفریح و بازی هم که میره به انگیزه خدایی میره چون تمام مسیرش نزدیکی به خداست در روایات اومده هرکاری رو برای رضای خدا انجام بدین تا همه کارهاتون بشه ارزشی و خداگرا. می‌خوام بگم میشه تمام کارها رو با نیتی الهی انجام داد تا تموم زندگی بشه بندگی و دیگه پرت و بیهودگی نداشته باشه.

از خاطره‌هاتون با اولیا و بزرگان؟

خدا رحمت کنه حاج آقا فخر تهرانی از خوبان بودن. یه تابستون، دوستاشون پیشنهاد می‌کنن از قم بیرون برن حاج آقا میگن آیا اونجا زیارتگاه هم داره عرض می‌کنن بله و میگن من به نیت زیارت میام. ببینین! می‌رفت هواخوری و تفریح و گردش اما نیتش الهی و خداگرایی بود.

حاج آقا الطافی نشاط همین طور بوی خدا می‌دادن این که دوستان خدا لاخوف علیهم و لایحزنون هستن همیشه شادن و پرانگیزه با این که مؤمن از دیگران رنج و بلاش بیشتره؟

مؤمن مسؤولیتش بیشتره و بیشتر می‌فهمه هر که بامش بیش برفش بیشتر.

با این که گرفتارترین مردم هم هست؟

بله. کسی که ابتلائش بیشتره انبیا و اولیای خدا و بعد هرکی به این بزرگان نزدیک‌تره و شباهتش بیشتره، روایت داریم البلاءُ للوَلاء، کسی که مؤمن‌تره خدا باهاش بیشتر کار داره و حس مسؤولیتش بیشتره و از ابتلائات رنج بیشتری می‌بره توی دعای ندبه داریم عزیزٌ عَلَی... بر من خیلی سخته که بلاها شما رو فراگرفته نه من رو.

ولی مؤمن یک ذره استرس و ناآرامی و بی‌قراری نداره.

> غرق نعمت‌هاییم خیلی چیزها داریم که دیگران ندارند اما همچنان چشم‌مان به دنبال نداده‌هاست به همین خاطر خرسندی نداریم

هراس مؤمنانه چگونه است؟

بله یک خوف و هراسی دارن؛ که نکنه خدای نکرده خدا رو از دست بدهند این که خودم کاری بکنم که رحمت خدا رو از دست بدهم و دچار عقوبت و عذابش بشم از این جهت مؤمن هراسانه که نکنه گناهی بکنه از چشم عنایت خدا بیفته و دست مهر و توجه خدا دیگه سرش نباشه این ترس هم ترس خوبیه که باعث میشه مراقبتش بیشتر بشه برای همین مؤمن توی سختی و بلا نمی‌شکنه راوی نقل می‌کنه هرچی امام حسین(ع) به شهادتش نزدیک‌تر می‌شد با اون اشد شدائد به تعبیر امروزی چهره‌شون بیشتر گُل می‌انداخت.

خود واقعی ما در یه خودپنداری برآمده از شرایط و محیط گم میشه چه جوری به خود واقعی برسیم یکی از بزرگان این رسیدن رو با اشاره به رنج‌های مسیر این چنین تبیین می‌کنه که ناممکنه بدون عشق و بدون رسیدن به خدا بشه به خود واقعی رسید؟

این نکته جالبیه مولوی تمثیلی داره: در زمین دیگران خانه مکن / کار خود کن کار بیگانه مکن / کیست بیگانه تن خاکی تو... میگه اگه کسی فقط برای تنش یعنی همین زندگی مادی کار بکنه وقتی عمرش تموم میشه می‌بینه انگار در زمین بیگانه کار کرده یعنی اون خودپنداری که شما فرمودین و بعد می‌بینه در زمین اصلی و واقعی که ابدیه هیچ کاری نکرده چیزی نساخته؛ مثلا سفری زیارتی (یا تجارتی) رفتین و برای یکی دو هفته خونه‌ای جایی می‌گیرین دائم به چیده‌مان و دکوراسیون داخلی اون خونه مستعجل رسیدگی می‌کنین پرده و روتختی عوض می‌کنین و بعد دو هفته می‌بینین اصل کاری که براش اومدین، نکرده باقی مونده! حالا خودپنداری همین جنبه‌های مادیه و خود واقعی که ما با هاش کار داریم و درباره‌اش با ما کار دارن همون جنبه روحانی ماست البته باید حق این بدن رو هم ادا کرد منتها با نیت الهی و توی مسیر بندگی خدا و به اندازه و محدوده خودش و دیگه این دوتا خود رو با هم قاتی نمی‌کنی.

از تجربیات خودتون که جالبه؟

برخی رفتارها شیرینی ویژه‌ای دارن که آدم یادش می‌مونه مرحوم آیت‌ا... اراکی خدا رحمت‌شون کنه سلمان زمان ما بودن یعنی یک قرن خلوص و بندگی و پاکی.

سطح بالای علمی‌شون!

بسیار زیاد بسیار! واقعا تمام مراجع به ایشون ارادت داشتن؛ مثل خدا رحمت کنه آیت‌ا... بهجت، آقای گلپایگانی و حضرت امام، مقصودم اینه که چون خیلی به ایشون علاقه داشتم و بحمدا... توفیق بود و منزل‌شون آمد و رفت همون ساعتی که خدمت‌شون بودم خودش خاطره خیلی شیرینی بود یادم نمیره از نعمت‌های خدا که می‌گفت خودش رو غرق نعمت‌های خدا می‌دید که خدا چقدر بهش احسان کرده و سپاس‌گزارانه گریه می‌کرد.

توضیح بدین لطفا.

مثلا شما می‌بینین یه نفر پیاپی هدیه در خونه‌تون می‌فرسته، فکر می‌کنین دوست‌تون داره دیگه، آدم اگه این جوری نگاه بکنه خیلی به آرامش می‌رسه و خیلی لذت می‌بره. ما متاسفانه با این که غرق نعمت‌هاییم و خیلی چیزها داریم که دیگران ندارن اما دائم چشم‌مون دنبال اون نداده‌هاست و اونایی که نداریم برای همینه که راضی نیستیم و خشنودی نداریم. حضرت آیت‌ا... اراکی اما خوش و خشنود بود. چقدر نمازشون طول می‌کشید (لذیذ مناجاتهم) همین برخوردشون برای من خیلی درست بود که از نعمت‌ها می‌گفت و اشک می‌ریخت. اخلاق و عرفان، خیلی گفتنی نیست دیدنیه باید توی یه نفر ببینی...

به قول آقای قاضی (ره): حلوای طنطنانی / تا نخوری ندانی؟

آفرین! شهید بهشتی از حضرت امام پرسیده بودن شما که جوون بودین چه کسی در قم درس اخلاق می‌گفت. امام فرموده بود کسی درس اخلاق نمی‌گفت. آدم‌های اخلاقی بودن و از رفتارشون درس اخلاق می‌گرفتیم. آشیخ عبدالکریم حائری یزدی و میرزا شیخ ابوالقاسم کبیر قمی و... با اون رفتارشون، تواضع و افتادگی‌شون با همه عظمت علمی و روحی و اخلاقی... اینها درسه.

یکی دیگه از کسانی که براتون شیرین بود؟

یکی مرحوم آیت‌ا... اراکی بود دیگه مرحوم میرزا جواد آقای تهرانی بود، ساکن مشهد که از اولیای خدا بود. شکر خدا جلساتی خدمت‌شون بودم و اتفاقا از مرحوم آیت‌ا... اراکی شنیده بودیم «خَلع» داره یعنی به اختیار خودشون روح رو از بدن خارج می‌کنن و چنین قدرتی دارن؛ وقتی پیش ایشون مطرح شد فرمودن بله مثل لباسی که از تن درمیارم این بدن رو کنار می‌زنم و طبیعتا به اون عوالمی که خدا به ایشون اجازه می‌داده وارد می‌شده و استفاده می‌بُرده. شما نگاه کنین این انسان با این عظمت، تواضعش آدم رو آب می‌کرد. این اواخر با این که به خاطر کهولت سن خمیده شده بود. پیش پای همه بلند می‌شد و با چه احترام و ادبی صحبت می‌کرد. اینها اون درس‌هاییه که باید آموخت و اگه کرامتی هم دارن از همین رفتارهاست که بهش رسیدن.

آگاهین در حدیث اومده که خدا تواضع رو به دوستای خاص خودش میده؟

احسنت. کسی که تواضع می‌کنه خدا هم او رو بالا می‌بره، برخلاف کسی که متکبره و فکر می‌کنه خودش خیلی بزرگه خدا اون رو زمین می‌زنه.

بعضی‌ها کتاب کرامات اولیا رو می‌خونن و خیال می‌کنن با افراط در عبادت می‌تونن به چنان مقاماتی برسن؟

در حالی که بهتر از خوندنِ کرامات، خوندن و مطالعه رفتار بزرگان ماست. ویژگی‌های اخلاقی‌شونه که اون‌ها رو به این مقامات رسونده خلوص و صداقت و یکرنگی و سادگی‌شون، نگاه‌شونه که خودشون رو تافته جدابافته نمی‌دونن، صفاشون خیلی درسه.

تفکرشون؟

بله! اون که اصل مساله است.

جمع‌بندی نهایی؟

همینه که نوع نگاه آدم به عالم و آدم در زندگی و خصوصیات شخصی تاثیرگذاره، اگه آدم نگاهش رو وسیع بکنه (البته مطالعه سر جای خودش ولی فقط ترقی از اون مسیر نیست) باید اهل عمل هم باشه و همین عمل اون رو رشد میده. آخرتی زندگی کردن به معنای بی‌توجهی به دنیا و وظایفی که داره نیست بنده خدا با نگاه آخرتی کاملا به مسائل دنیا می‌رسه ولی خودش رو محدود به همین‌ها نمی‌کنه. چشم‌اندازش بلنده و در مسیر بندگیه؛ پس همه جا براش مسجد می‌شه.

به قول باباطاهر خوشا آنان که دائم در نمازند؟

سعی خودمون رو که بکنیم خدا هم کمک می‌کنه، ان‌شاءا... که این چنین باشه.

> آخرتی زندگی کردن به معنای بی‌توجهی به دنیا نیست. بنده خدا با نگاه آخرتی به مسائل دنیایی هم به طور کامل رسیدگی می‌کند

هوای تازه

موثق از وصف‌هایی است که راویان برای هرکسی خرجش نمی‌کردند، آنها که سخن‌شان آنچنان پشتوانه پژوهشی دارد که مخاطب‌شان دیگر نیازی نمی‌بیند سند بخواهد زیرا می‌داند چنین کسی پیش از ارائه روایت‌ها چنان که باید سخن را سنجیده و وزن کرده و در بوته نقد و بررسی آزموده تا به آنجایی رسیده که به قول استاد فاطمی‌نیا: این سخن از آب گذشته است. باری که درباره نکته‌ای با استاد عالی توفیق هم‌سخنی دست داد از نکته‌نگری و ریزبینی و ظرافت نگاه‌شان در واشکافی همه جانبه موضوع شگفتار شدم این که آن همه ضلع و زاویه را کاویده تا به فرازی رسا به چکیده‌ای به گزین گویه‌ای شنیدنی و نیوشیدنی رسیده و این که پشت هر سخنرانی نیم ساعتی اما ساعت‌ها کندوکاو و مطالعه می‌تپد. مثلا وقتی سیدرضی نهج‌البلاغه را از بسیاری متن‌ها و روایت‌های علوی دستچین کرد با آن جایگاه ممتاز علمی و سیاسی همه دانسته و می‌دانند که روایت‌های چنین پژوهشگری بس سنجیده و قابل اطمینان است. معاصرانه سخن گفتن و معاصرکردن داشته‌های پیشین و آنها را به زبانی همه‌پسند در عین حال فرهیخته و استوار بیان داشتن، کاربردی کردن مطالب دینی و ارائه دیدگاهی نیک‌بین و زیبانگر به مخاطب به ویژه جوان در ساحت دین و داده‌های وحیانی و بسی مؤلفه‌های دیگر است که برنامه‌های حاج آقا عالی را بسیار پرمخاطب و محبوب و یکه و ممتاز ساخته مثلا سبک زندگی دینی / ایمانی و چند و چون آن که دغدغه فراگیر خانواده‌هاست از محورهایی است که در این باره بیان استاد راهگشاست و گیرا «برای این که مدل و الگوی زندگی دینی در جامعه گسترش پیدا کند، ابتدا همه باید یک سبک جدید و متفاوت با آنچه تاکنون افراد طبق آن چیدمان زندگی خود را شکل داده‌اند تولید شود؛ آن هم به دست سلیقه‌ها و افرادی که در این زمینه‌ها کارشناس و پخته‌اند و با منابع دینی آشنایی دارند.